ثروت نفتی و فقر در عراق

صبری ز. السعد

مترجم : مهاجری، مصطفی

کشور عراق از زمان تأسیس در 1921 و در دوران قیمومت بریتانیا تا سال 1932 و از زمان استقلالش در سال 1932 تا کنون دستخوش دگرگونیهاى بسیار بوده است.امّا هیچ یک از آنها قابل مقایسه با تحوّل اخیر، یعنى سقوط صدام در 9 آوریل 2003 پس از حمله نظامى به آن کشور به رهبرى آمریکا و انگلیس نیست.این حمله ضربتى و ویرانگر پیامدهاى بسیار عمیقى بر زندگى سیاسى، اقتصادى و اجتماعى مردم عراق خواهد داشت.سرنگونى رژیم دیکتاتورى، در همین مدّت کوتاه نیز اوضاع سیاسى را سخت تحت تأثیر قرار داده است.از منظرى دیگر، بازسازى زیرساختهاى تخریب شده همچون تأسیسات برق و آب، جاده‏ها، ساختمانهاى عمومى، مدارس و بیمارستانها، باعث رونق اقتصادى خواهد شد.بنابراین انتظار مى‏رود که کشور عراق، به علّت از سرگرفته شدن صادرات نفت و هزینه‏هاى بالاى دولتى، در آینده نزدیک شاهد رشد اقتصادى و افزایش اشتغال باشد.در واقع، انتظار مى‏رود که درآمد سالانه دولت به 20 میلیارد دلار برسد که این امر براى سرمایه‏گذاران خارجى جذابیّت خاصّى خواهد داشت.با این حال، اثرات تخریبى جنگ و وجود وقفه در داده‏ها و در نتیجه نقصان داده‏هاى اقتصادى، اندازه‏گیرى متغیّرهاى کلان اقتصادى عراق پس از بازسازى را دشوار مى‏سازد.در مجموع، انتظار بر این است که تغییرات آتى فرصتهایى ایجاد کند که نتیجه آن بهبود سطح و کیفیّت زندگى مردم عراق باشد.افزون بر این، برقرارى ثبات سیاسى در عراق و تأمین اهداف اقتصادى در دوران حکومت جدید، اثرات مثبتى بر اقتصاد منطقه خاورمیانه و جهان خواهد داشت.

تولید ناخالص داخلى‏ (PDG) یکى از مهمترین معیارهاى اندازه‏گیرى وضع اقتصادى و نیز بیانگر سطح درآمد(مصرف)افراد در هر کشور است. ارقام‏ PDG بعنوان مبانیى براى پیش‏بینى توسعه اقتصاد کلان و بخش‏هاى اقتصادى به کار مى‏رود. هدف این مقاله دستیابى به تغییرات واقعى در PDG عراق از راه بازبینى و اصلاح برآورد این ارقام در دوره 2001-1980 و بحث در مورد پیامدهاى اقتصادى، سیاسى و اجتماعى آن است.

فرصتهاى از دست رفته

بین سالهاى 1980 و 2001، ارزش کلّ صادرات نفتى عراق در حدود 8/192 میلیارد دلار بوده است.صادرات نفت در دهه 80 معادل 8/123 میلیارد دلار و طّى سالهاى 1990 تا 2000 برابر با 68 میلیارد دلار بوده است.علیرغم حجم هنگفت درآمد نفتى و دیگر درآمدهاى ناشى از فعّالیتهاى اقتصاد داخلى، اقتصاد عراق از سال 1980 تا کنون سیر نزولى پیموده است، به گونه‏اى که در رده‏بندى کشورها از نظر درآمد سرانه برحسب تولید ناخالص داخلى، عراق جزو فقیرترین کشورهاى درحال توسعه محسوب مى‏شود.با توجّه به این نتایج، اگر هدف، از میان برداشتن مسائل مربوط به بحران عراق است، باید پیامدهاى مهمّ اقتصادى، سیاسى و اجتماعى آن نیز از نظر دور نماند.در زمینه حلّل بحران عراق باید موارد زیر به دقّت مورد توجّه و ارزیابى قرار گیرد:

1-ضرورت بازپرداخت غرامتهاى ناشى از جنگ خلیج فارس در سال 1991؛ 2-اعتبار و پابرجا بودن قراردادهاى اقتصادى، بازرگانى و مالى که در رژیم سابق بسته شده است؛ 3-قراردادهاى نفتى جارى؛ 4-قراردادهاى نفقتى با عناوین گوناگون مانند نفت در برابر غذا و دارو با کشورها و شرکتهاى خارجى.

پنهان داشتن افول اقتصادى

در گذشته، شاخص‏هاى‏ PDG عراق توسّط سازمان ملل متّحد، آژانس‏هاى منطقه‏اى و بین المللى و نیز از سوى دولتهاى خارجى براى ارزیابى پیشرفت اقتصادى عراق و رفاه شهروندان آن کشور مورد استفاده قرار مى‏گرفت.

دولت عراق درطول چند دهه، هر سال برآوردهاى‏ PDG را بر پایه قیمت‏هاى جارى و ثابت منتشر مى‏کرد، امّا از سال 1980 براى پنهان کردن تورّم شدید، از ارائه ارقام‏ PDG به قیمت‏هاى ثابت سرباز زد؛در عوض اطّلاعات فراوانى در مقاطع زمانى در مورد برآورد PDG به قیمتهاى جارى برحسب دلار آمریکا عرضه مى‏کرد که در گزارش سالانه معروف‏ deifinU barA ehT'''''''' ''''''''tropeR cimonocE, به چاپ رسیده است.این گزارشهاى دستورى و ساختگى، توسّط اتّحادیه عرب، صندوق توسعه اقتصادیو اجتماعى کشورهاى عربى‏ (DSEFA) ، صندوق پولى کشورهاى عربى و سازمان کشورهاى عرب صادر کننده نفت‏ (CEPAO) ، گردآورى و ویرایش مى‏شد.از برسى این آمارها و ارقام آشکار مى‏شود که صاحب منصبان عراقى تعمّدا وخامت اوضاع اقتصادى در دو دهه قبل از انظار عمومى پنهان مى‏کرده‏اند.براى رسیدن به چنین هدفى، دولت عراق به دلخواه، یک نرخ رسمى از ارز براى تبدیل ارقام‏ PDG در بخش غیر نفتى به دلار آمریکا انتخاب کرده بود.

بر پایه ارقام منتشر شده از سوى دولت عراق، PDG به قیمت‏هاى جارى از 59/53 میلیارد دلار در سال 1980 به 038/81 میلیارد دلار درسال 2001 افزایش یافته است.در نتیجه، درآمد سرانه برحسب‏ PDG براى سال 1980 معدادل 3688 دلار برآورد شده بوده است که این رقم با اندکى کاهش به 3312 دلار در سال 2001 رسیده است.امّا براساس نرخ واقعى ارز(با توجّه به نرخ تسعیر دینار عراق به دلار در بازار آزاد)طّى سالهاى 1980 تا 2001، تخمین‏هاى دولت عراق تنها گزافه‏گویى و ساختگى بوده است.لذا با اعمال نرخ واقعى ارز، شاهد کاهش معنى‏دار در ارقام منتشره توسّط دولت عراق و در نتیجه کاهش شدید PDG و درآمد سرانه هستیم.با تبدیل ارقام، PDG برحسب قیمت جارى در سال 1980، 368/28 میلیارد دلار و براى سال 2001، 809/5 میلیارد دلار برآورد مى‏شود.در نتیجه، تولید ناخالص داخلى سرانه برحسب دلار از 2143 دلار در سال 1980 به 237 دلار در سال 2001 کاهش مى‏یابد.

مقایسه اقتصاد عراق با اقتصاد کشورهاى عربى

حتّى با مقایسه ساده تخمین‏هاى‏ PDG عراق و دیگر کشورهاى عربى روشن مى‏شود که دولت پیشین عرق دست به پنهان‏کارى شدید در مورد سیاستهاى نادرست اقتصادى خود زده‏است. تخمین دولت عراق از تولید ناخالص داخلى‏اش در سال 2001، یعنى 81 میلیارددلار دلار، آن کشور را رده سوم پس از عربستان(با 187 میلیارد دلار)، مصر(با 91میلیارد دلار)و بالاتر از دیگر کشورهاى عربى قرار داده است. PDG دیگر کشورهاى عربى به ترتیب عبارت است از:امارات متّحده 8/67 میلیارد دلار، الجزایر 6/54 میلیارد دلار، کویت 8/32 میلیارد دلار، مراکش 5/33 میلیارد دلار، لیبى 132 میلیارد دلار، تونس 1/20 میلیارد دلار، عمان 9/19 میلیارد دلار، سوریه 2/19 میلیارد دلار، لبنان 7/16 میلیارد دلار قطر 2/16 میلیارد دلار، سودان 5/12 میلیارد دلار، یمن 1/91 میلیارد دلار، اردن 8/8 میلیارد دلار و بحرین 9/7 میلیارد دلار.

بر پایه آمارهاى تصحیح شده، عراق از لحاظ PDG درست در جاى سوم از پایین قرار مى‏گیرد؛ یعنى تنها کشورهاى جیبوتى(با 553 میلیون دلار) و موریتانى(با 986 میلیون دلار) PDG کمترى از عراق داشته‏اند.گذشته از آن، در سال 2001، عراق با داشتن 237 دلار تولید ناخالص داخلى سرانه واقعى در پایینترین مکان جدول قرار مى‏گیرد.فهرست کشورهاى عربى براساس‏ PDG سرانه در سال 2001، از پایین به بالا، بدین ترتیب است:موریتانى 364 دلار، سودان 394 دلار، یمن 481 دلار، جیبوتى 816 دلار، سوریه 1145 دلار، مراکش 1146 دلار، مصر 1409 دلار، الجزایر 1661 دلار، اردن 1655 دلار، تونس 2073 دلار، لبنان 4399 دلار، لیبى 5490 دلار، عربستان 8109، عمان 8314 دلار، بحرین 11113 دلار، کویت 14627 دلار، امارات 20602 دلار، قطر 28139 دلار.

نتیجه‏گیرى:

1-با وجود درآمد نفتى، کشور عراق پیوسته افت شدیداقتصادى را تجربه کرده است و در نتیجه، مردم عراق گرفتار سختى‏ها و مشکلات توان‏فرساى اقتصادى، بویژه در دهه 1990 بوده‏اند.در واقع حتّى با خوشبینانه‏ترین برآوردها و با فرض 360 دلار PDG سرانه، این کشور زیر خطّ فقر قرار مى‏گیرد.

2-عراق باید فعّالیتهاى اقتصادیش را متنّوع کند و وابستگى شدید درآمد خود به نفت، به عنوان منبع اصلى درآمد ارزى، کاهش دهد.در آینده، عراق باید سه برنامه اقتصاد کلان خود را به صورت هماهنگ به اجرا بگذارد:نخست، سیاست‏هاى تثبیت اقتصاد کلان و سیاست‏هاى تثبیت پولى و مالى به منظور کنترل تورّم از راه کوچک کردن دولت و کاهش کسر بودجه در پیش گیرد؛دوم با راه‏اندازى و اصلاح سیستم بانکى و بازارهاى مالى و بازار بورس، و نیز از راه خصوصى‏سازى، ایجاد تسهیلات در زمینه تجارت خارجى و ورود سرمایه‏هاى خارجى، دست به اصلاحات ساختار اقتصادى بزند.سومین ابزار، سرمایه‏گذارى در زیرساخت‏هاى اصلى کشور با رعایت تراز است. این سرمایه‏گذاریهاى زیربنایى باید براساس اولویتّها یعنى پروژه‏هاى زیر بناى اقتصادى(فیزیکى)، اجتماعى و زیست محیطى باشد.

انتظار مى‏رود که کشور عراق، به علّت از سرگرفته شدن صادرات نفت و هزینه‏هاى بالاى دولتى، در آینده نزدیک شاهد رشد اقتصادى و افزایش اشتغال باشد.در واقع، انتظار مى‏رود که درآمد سالانه دولت به 20 میلیارد دلار برسد که این امر براى سرمایه‏گذاران خارجى جذابیّت خاصّى خواهد داشت.با ین حال، اثرات تخریبى جنگ و وجود وقفه در داده‏ها و در نتیجه نقصان داده‏هاى اقتصادى، اندازه‏گیرى متغیّرهاى کلان اقتصاد عراق پس از بازسازى را دشوار مى‏سازد.